

عوامل موثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی در استان لرستان

نورالهی بهمن^{۲۶۴}

نجف پور محمد^{۲۶۵}

چکیده:

کودکی از دوران پر اهمیت زندگی آدمی است که به اعتقاد بسیاری از محققین زیر بنای سایر مراحل زندگی نیز می باشد با توجه به رشد شهرنشینی و تغییر ساخت زندگی خانوادگی، افزایش روز افزون طلاق، مهاجرت زاغه نشینی، بیکاری و اضمحلال ارزشها و اخلاقیات، عدم سیاست گذاری درست در مورد جمعیت و ... شاهد بروز پدیده کودکان کار و خیابان می باشیم. داده های این تحقیق به روش کیفی و از تکنیک مصاحبه با کودکان خیابانی و کار و مشاهده حاصل شده است. با توجه به نتایج حاصله و سئوالات تحقیق به نظر میرسد نظریه بی سازمانی اجتماعی، از قدرت تبیین بیشتری برای توضیح مسئله کودکان خیابانی و کار در استان لرستان برخوردار است. طبق این نظریه می توان فرض کرد که کودکان خیابانی و کار در استان لرستان انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی اقشار تهی دست و آسیب پذیر حاشیه نشین شهرهای بزرگ استان هستند که نتوانسته اند در جریان مواجهه با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حداقل دو دهه اخیر، انطباق یابند.

در این تحقیق عوامل موثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی در استان لرستان و اهمیت توجه و تحقیق در ارتباط با قشر آسیب پذیر کودکان خیابانی و عمده آسیب های که گریبان گیر این قشر خاص است بررسی و کارهای انجام شده

^{۲۶۴} کارشناس اجتماعی و معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان لرستان

^{۲۶۵} کارشناس علوم تربیتی و پژوهشگر دارای ۳ مقاله برتر در همایشها

در ارتباط با حل این معضل اجتماعی در داخل و خارج کشور، معایب و محاسن این برنامه ها و نهایتاً راه‌حلهایی را که برای حل این مسئله پیشنهاد شده است ارائه می‌گردد.

کلمات کلیدی: کودکان خیابانی، آسیب‌های اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، لرستان

مقدمه:

امروزه ابعاد آسیب‌های اجتماعی روز به روز گسترده‌تر می‌گردد و جامعه را با مشکلات ناشی از خود درگیر می‌نماید. از جمله آسیب‌های اجتماعی که روند رو به گسترش آن مشهود است، وجود کودکان و نوجوانان خیابانی است. پدیده کودکان و نوجوانان خیابانی آسیبی است که در پرتو آن تعداد قابل توجهی از کودکان معصوم جامعه به دلایل متعددی به خیابان کشیده می‌شوند.

اما همه آنها در یک چیز مشترک هستند و آن حضور در خیابان و فرهنگ خیابانی داشتن می‌باشد. (روزنامه همشهری - سال ۷ شماره ۱۸۵۵) در هر جامعه‌ای کودکان آن جامعه سرمایه‌های اصلی و آینده آن جامعه را تشکیل می‌دهند، از این رو نیاز به مراقبت و حفاظت، به خصوص در دوران رشد خویش دارند. در این راستا خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی نقش حیاتی و اساسی را ایفا می‌نماید. با سرعت گرفتن تحولات اجتماعی - صنعتی خانواده جایگاه و نقش محوری خود را آرام آرام از دست داده یا می‌دهد و انواع آسیب‌ها بروز نموده‌اند که کودکان و نوجوانان خیابانی یکی از آنهاست. کودکان و نوجوانانی که مراحل رشد و بلوغ خویش را می‌گذرانند و نیاز به حمایت والدین از ابعاد متعددی دارند و در خیابانها رها شده و آمادگی لازم برای دچار شدن به سایر آسیب‌های اجتماعی را پیدا می‌نمایند. کودکان که اکثر اوقات را در خیابانها سپری می‌نمایند از یک طرف لذت آزادی و رها بودن را تجربه می‌نمایند و از سوی دیگر با آموختن خرده فرهنگ‌های خشن خیابانی توانای هماهنگی، سازگاری و همسازی را با خانواده را از دست می‌دهند و کم‌باعتش و محبت بیگانه می‌شوند و عاطفه آنها تغییر می‌نماید و به انسانهای با ناهنجاری‌های مختلف تبدیل می‌گردند. پدیده کودکان خیابانی^{۲۶۶} معضل اجتماعی شایع در کلان‌شهرهای جوامع معاصر، اعم از کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه است. با این تفاوت که میزان بروز این پدیده، زمینه‌ها و عوامل گسترش آن و نحوه مقابله با آن در جوامع مختلف، بر حسب ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها متفاوت است.

طرح مسئله و ضرورت تحقیق:

آلن بیرو در تعریف مسئله اجتماعی برنیل به بهسازی اجتماعی تاکید دارد و مسائل اجتماعی را ناشی از عدم تعادل ها مشکلات یا بن بست های که خروج از آنها برای افراد محروم امکان پذیر نیست، قلمداد می کند (بیرو ۱۳۷۶، ص ۲۷۲). در جامعه شناسی به هر موقعیتی که به واسطه تعدادی از افراد، در آن اجتماع نا مطلوب تلقی می شود، نیاز به کنش گروهی برای اصلاح آن باشد، مشکل اجتماعی گفته می شود. (ارمکی، ۱۳۷۵، ص ۱۶). جامعه شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهار شده ای می دانند که با ارزشهای بیشمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند که برای تغییر آن وضعیت باید اقدامی صورت گیرد (راینگتن؛ ۱۳۸۲؛ ص ۱۲). مسائل اجتماعی حتی ناگوارترین آنها و بدترین آنها معمولاً ریشه در ارزشهایی دارد که به شدت از سوی ما تایید می شوند و به عبارت دیگر مسائل اجتماعی اغلب رابطه کارکردی با نهادها و ارزشهایی دارد که ما با آنها زندگی می کنیم (معید فر، ۱۳۷۹، ص ۴۱). پدیده کودکان خیابانی یا بچه های خیابان که از آن به عنوان تراژدی شهر یاد می شود، معضلی است که کلان شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر از پیشرفته و در حال توسعه با آن دست به گریبانند. البته زمینه ها و عوامل گسترش این پدیده و راههای مقابله با آن در جوامع مختلف متفاوت است. کشور ایران نیز در این مسیر از بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی در این پدیده حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است. دیگر شهرهای کشور نیز از این پدیده مصون و بر حذر نیستند.

توسعه نامتوازن و عدم هماهنگی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جذب و انطباق با معیارهای توسعه، باعث شکل گیری تحولات سریع و خلق الساعه در بعضی ساختارها و عقب ماندگی ساختارهای دیگر جامعه ای شده است. نتیجه چنین روندی همان چیزی است که ما امروز در شهرهای کوچک و بزرگ و بیشتر از همه، در کلان شهرها شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر، روند های فوق موجب تجمع ثروت ملی در مراکز استانی و به ویژه پایتخت شده که آن هم به دنبال خود، سیل عظیم مهاجرین به مراکز را به دنبال داشته و الگوهای متنوعی از زندگی در شهرهای ما رقم زده است. در ایران از اوایل دهه هفتاد کودکان خیابانی در خیابانهای تهران و برخی شهرهای بزرگ کشور در کانون توجه آحاد مسئولین قرار گرفتند. در طول یک دهه اخیر و به موازات افزایش تعداد این کودکان، روز به روز به توجه و نگرانی جامعه نسبت به حضور کودکان در خیابان افزوده شده است، به گونه ای که علاوه بر مداخلات اجرایی که از سوی سازمان های مختلف دولتی و غیر دولتی با هدف کاستن از مشکلات کودکان خیابانی انجام گرفته است، پژوهش های متعددی در خصوص توصیف شرایط و وضعیت خانوادگی، روانشناختی و اجتماعی این کودکان به عمل آمده است. در استان لرستان نیز این پدیده بعنوان یک آسیب اجتماعی در حال گسترش است و در شهرهای بزرگ استان چون خرم آباد و بروجرد آمار قابل توجهی دارد، بررسی های

بعمل آمده حکایت از این دارد که کودکان خیابانی و کار در استان لرستان مرتکب جرایمی چون سوء استفاده های جنسی و جسمی، خرید و فروش مواد مخدر، مصرف مواد مخدر، سرقت های جزئی (جیب بری، کیف قاپی و...)، تکدیگری و... می گردند که این عوامل باعث به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی استان می گردد لذا این موضوع بعنوان یک مسئله مد نظر قرار گرفته و قصد بررسی علل و عوامل بروز این پدیده در استان لرستان را داریم.

آنچه موضوع این پژوهش را تشکیل می دهد در نهایت رسیدن به جوابی برای سؤال اصلی زیر است:

هدف کلی :

چه عواملی باعث پیدایش پدیده کودکان خیابانی و کار در استان لرستان می شود و ویژگیهای این کودکان کدامند؟

اهداف جزئی :

۱. آیا بین نوع سرپرستی و کودکان خیابانی و کار رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین گسیختگی روابط زناشویی در خانواده و کودکان خیابانی و کار رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و کودکان خیابانی و کار رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین سوء مصرف مواد مخدر در خانواده و کودکان خیابانی و کار رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین بُعد خانوار و کودکان خیابانی و کار رابطه وجود دارد؟

ادبیات و چارچوب نظری مطالعه موردی

تعاریف :

برای تعریف واژه کودک خیابانی ابتدا باید تعریفی از کودک داشته باشیم .

__ پیمان جهانی حقوق کودکان که نمایندگان ۱۹۱ کشور جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ آن را پذیرفته اند و ایران نیز در سال ۱۹۷۳ به صورت مشروط آن را پذیرفته، کودک کسی است که کمتر از ۱۸ سال داشته باشد، مگر اینکه بر اساس قانون ملی قابل اعمال، سن قانونی، کمتر تعیین شده باشد. (مهرجویی، ۱۳۷۸).

در تعریف از کودکان خیابانی، تعاریف مختلفی وجود دارد که در اینجا به بعضی از این تعاریف اشاره می شود .

__ بر اساس تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در سال ۱۹۹۷ کودکان خیابانی به کودکانی اطلاق می شوند که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند . یونیسف حضور و زندگی در خیابان و کار برای ادامه بقا، دو عنصر اساسی برای شمرده شدن کودکان در زمره کودکان خیابانی می داند.

- کودکان خیابانی گروهی از کودکان هستند که به ناچار یا به دلخواه، روابط خود را با خانواده بریده اند و خیابان ها را

به عنوان محل زندگی انتخاب کرده اند (دهگان پور، ۱۳۸۱، ص ۹۳).

بر اساس تعریف دیگری یک دسته از کودکان خیابانی نیز هستند که بخش عمده ای از زمان خود را در خیابانها بدون نظارت والدین سپری کرده و تقریباً تمامی وقت خود را صرف کسب پول می کنند. در موارد بسیاری این کودکان اکثراً روزها را کار و شب ها را در خیابان می خوابند. با این حال اساساً در خانه زندگی می کنند و درآمد خود را با مادر یا پدر و یا سرپرست خانواده تقسیم می کنند (همان ص ۹۴).

بر طبق تعریف دیگری از یونیسف، واژه کودکان خیابانی به کلیه افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می شود که در خیابان ها از طریق گدایی، بزهکاری و اشتغال به شغل های کاذب فصلی، ادامه زندگی می دهند و بسیاری از آنها نیز بی سرپناه نیز محسوب می شوند. یعنی خانه ای برای سکونت، خواب و نظارت ندارند (شاوردی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸).

بر اساس تعریفی از مرکز آمار ایران، کودکان خیابانی به کودکانی گفته می شود که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقا خود مجبور به کار یا زندگی در خیابانها باشد. (در واقع ساعات قابل توجهی از شبانه روز را در خیابان به سر می برند) (مرکز آمار ایران).

کودکان خیابانی به کسانی اطلاق می شود که دوست ندارند زیر سقف خانه بخوابند و از سرویس های ارائه شده استفاده کنند (امانلو، ۱۳۸۱).

کودک خیابانی کودکی است که یا بزه دیده است و یا در معرض بزه دیده گی قرار دارد (معظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸).
کودکان خیابانی را می توان به تعدادی از جوانان و همه کسانی که مدت زیادی را دور از خانه می گذرانند اما اساساً در ویژگی های دیگر سهم نیستند اطلاق کرد (اگنلی - ص ۱۹۸).

کودکان خیابانی کسانی هستند که برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی در خیابانها، پارک ها و میادین سطح شهر می باشند (مجید محتشمی، مطبوعات ۱۳۸۲).

با بررسی و جمع بندی تعاریف موجود در متون معتبر درباره این پدیده بر حسب معیارهای همچون انگیزه چگونگی حضور کودکان در خیابان، وضعیت، عملکرد و رفتارهای آنها در خیابان، مدت زمان حضور کودکان در خیابان طول مدت زندگی خیابانی، شیوه های سرپرستی، مراقبت و نظارت بر کودکان و میزان تماس و چگونگی پیوند کودکان با خانواده، به تعریفی تقریباً جامع از کودکان خیابانی به شرح زیر می رسیم:

- کودکان خیابانی بخشی از کودکان آسیب پذیر شهری و کودکان در وضعیت دشوار هستند که ساعات طولانی از شبانه روز را و گاه تمام آن را به صورت موقتی یا دائمی برای مدت نا معلومی خارج از نهاد های اجتماعی، حمایتی معمول مانند خانواده و مدرسه به انگیزه کار و زندگی در خیابان ها سپری می کنند و نسبت به کودکان دیگر دارای تماس کمتری با این نهاد های اجتماعی و حمایتی هستند و یا در مراکز دیگر غیر از این نهاد های مرسوم نگهداری می شوند که در صورت فقدان آن مراکز ویژه در معرض رها

شدن در خیابان و عوارض منفی ناشی از زندگی خیابانی، خشونت، بهره‌کشی، بزهکاری و انحرافات اجتماعی هستند.

دسته بندی کودکان خیابانی :

در مورد کودکان خیابانی^{۲۶۷} تعاریف مختلفی ارائه شده است. در صفحه چهارم کتاب کودکان خیابانی در بمبئی و کلکته می‌خوانیم: کودکان خیابانی را شامل کودکانی می‌دانند که تمام یا قسمت اعظم وقت خود را در خیابان سپری می‌کنند و در یکی از دو دسته بندی زیر قرار می‌گیرند:

- ۱- براساس این تعریف کودکان خیابانی به یکی از سه گروه زیر اطلاق می‌شود:
 - کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند و هیچ گونه ارتباطی با خانواده خود ندارند.
 - کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند و تا حدودی ارتباط خود را با خانواده خود حفظ کرده‌اند.
 - کودکانی که با خانواده خود زندگی میکنند و در خیابان به کار می‌پردازند در خیلی از موارد مسکن خانواده‌های این کودکان، آلودگی‌های واقع در پیاده‌رو یا حلبی‌آباد است.
- ۲- بر اساس تعریفی دیگر این کودکان در دو گروه اصلی زیر تقسیم می‌شوند.
 - کودکان خیابانی: این کودکان در واقع کودکان شاغل در خیابان هستند که برای کسب درآمد برای خانواده در خیابان کار میکنند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده متفاوت است و ممکن است این ارتباط روزانه و یا در حد چند بار در سال باشد اما به هر حال احساس تعلق به خانواده در این کودکان وجود دارد.
 - کودکان خیابان: این کودکان، گروه کوچک‌تر از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، اما مشکلات پیچیده‌تری دارند. برای این کودکان خیابان به منزله خانه است و آنها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را دارند. این افراد یا سرپرستی ندارند و یا در صورت داشتن خانواده، به دلیل مسائل مختلف، زندگی در خیابان برایشان امن‌تر از زندگی در خانه است. کودکان رها یا طرد شده نیز گاهی به عنوان گروهی مجزا مطرح میشوند، اما نظر به اینکه در خیلی از موارد بازگشتی ندارند و در مدت کوتاهی به کودکان خیابان بدل میشوند، در بعضی تقسیم‌بندیها جزء گروه کودکان خیابان محسوب میشوند (روشن، ۱۳۸۶).

موسوی (۱۳۸۳) مددکار اجتماعی و مدرس دانشگاه عقیده دارد با توجه به این تعاریف و تعاریف دیگر که از کودکان خیابانی ارائه شده است می‌توان گفت که باید بین دو دسته از کودکان تمایز قایل شد. این دو دسته عبارتند از کودکان کار و کودکان خیابانی.

کودکان کار^{۲۶۸} همه کودکان زیر ۱۸ سالی هستند که به منظور کسب درآمد برای تامین معاش خود و یا خانواده خود در خیابان مشغول کار هستند و خود در دو گروه قرار دارند.

- کودکانی که کمتر از ۱۵ سال سن دارند و کار میکنند در حالی که طبق قانون، کار کردن برای آنان ممنوع است.

- کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله ای که براساس قانون کار میتوانند طبق شرایط خاص (ساعات کار کم، کار سبک و غیره) کار کنند.

- اما کودکان خیابانی همه کودکان زیر ۱۸ سال هستند که بر اثر فشارهای شدید اقتصادی، اجتماعی و غیره مجبور به کار و زندگی در خیابانها هستند، در حالی که با خانواده های خود ارتباط ندارند یا به آنها احساس تعلق نمی‌کنند. اینان همان کارتن خوابها هستند.

به عقیده وی در واقع کودکان کار را باید "نان آوران کوچک" نامید و چنانکه گفته شد هرگز نباید آنان را با کودکان خیابانی یا کارتن خوابها یکسان شمرد. بطور کلی تعاریف مختلف دارای سه جزء مشترک میباشند:

۱- این کودکان وقت زیادی را در خیابان زندگی یا سپری میکنند.

۲- خیابان منبع معاش کودکان است.

۳- از آنها بطور شایسته و مطلوب توسط بزرگترها نگهداری نمیشود.

- هم اکنون در کشور ما دسته بندی کودکانی که در خیابان حضور دارند به صورت زیر است:

۱ - کودکان بدسرپرست

۲ - کودکان بی سرپرست

۳ - کودکان بزهکار

۴ - کودکان کار

۵ - کودکان اتباع بیگانه که خود در سه گروه قرار می‌گیرند:

۱- اتباع بیگانه دارای کارت یا برگ اقامت از مراجع قانونی و صاحب صلاحیت

۲- اتباع بیگانه فاقد کارت یا برگ اقامت از مراجع قانونی و صاحب صلاحیت

۳- کودکانی که پدرانشان از اتباع کشورهای بیگانه بخصوص افغانستان و مادرانشان ایرانی بوده، ولی چون ازدواجشان ثبت نشده است، شناسنامه ندارند.

۶ - کودکان مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج یا کودکان روانی یا معلول.

۷ - کودکانی که با پدر خود زندگی می‌کنند.

۸ - کودکانی که با مادر خود زندگی می‌کنند.

۹ - کودکانی که با خواهر یا برادر خود زندگی می‌کنند.

۱۰ - کودکانی که با ناپدری یا نامادری یا قیم خود زندگی می‌کنند.

۱۱- دسته بندی فوق شامل همه کودکانی است که در خیابان زندگی میکنند صرف نظر از اینکه کودکان کار هستند یا خیابانی. ممکن است کودکی در چند گروه نیز قرار گیرد؛ مثلا هم بی سرپرست باشد هم بزهکار (شاوردی، ۱۳۸۱).

۱۲- کودکان کار و خیابان از جمله محروم ترین کودکانی هستند که عمدتاً به دلیل فقر خانواده در سال های کودکی و نوجوانی مجبور به کار و در نتیجه از آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب و سایر حقوق اساسی خود محروم می شوند. در میان این کودکان آنان که در خیابان به کار می پردازند به علت ناامن بودن و نامناسب بودن شرایط محیط کار آسیب بیشتری را تحمل می کنند. پیمان نامه حقوق کودک، کودکانی را که به اقدام حمایتی ویژه نیاز دارند، به گروه های زیر تقسیم می کند:

۱- کودکان در شرایط اضطراری (کودکان پناهنده، کودکان درگیر جنگ، کودکان آسیب دیده از بلایای طبیعی و ...)

۲- کودکان در شرایط تبعیض (کودکان اقلیت قومی، ملی، مذهبی و ...)

۳- کودکان معارض با قانون (کودکان بزهکار)

۴- کودکان در شرایط استثمار و بدرفتاری (کودکان کار، کودکان آزار دیده و ...) (دفتر منطقه ای یونسف در خاورمیانه، ۱۹۹۵).

کودکان کار و خیابان آخرین گروه از کودکانی هستند که مورد استثمار بهره کشی، سو استفاده و گاه آزار و بد رفتاری قرار می گیرند. حمایت از این کودکان از وظایف اصلی اجتماع به شمار می رود. این حمایت به معنای تایید کار کودکان نیست؛ زیرا کودکی و نوجوانی دوران کار نیست بلکه سال های آمادگی برای ورود موفق به مرحله بزرگسالی است و باید صرف آموزش، رشد و پرورش، بازی، تفریح و استفاده از اوقات فراغت مناسب شود. اجبار کودکان به کار، به علت فقر یک واقعیت انکار ناپذیر جامعه طبقاتی است و در کنار تلاش برای کاهش فقر و کار کودکان که به یکدیگر پیوسته اند، حمایت از کودکانی که در حال حاضر به کار می پردازند ضرورتی فوری است. هم باید جامعه و قانون را وادار به حمایت از حقوق کودک و تامین رفاه او کرد و هم، همزمان برای کاهش مشقات موجود تلاش کرد.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق:

از بین نظریه های مطرح شده درباره مسائل اجتماعی، رهیافت آسیب اجتماعی^{۲۶۹} به دلیلی چند نمی تواند ریشه های پیدایش کودکان خیابانی را به خوبی تبیین نماید. تئوری ها و پیش فرض های این رهیافت، پدیده کودکان خیابانی را یک آسیب و بیماری اجتماعی تلقی می کند و در تبیین آن به رفتارها، ویژگی ها و شرایط جسمانی روانی و اجتماعی کودکان و خانواده های آنها توجه دارند. فرضیه های که کودکان خیابانی را بی سرپرست یا رها شده و یا دارای نقایص جسمانی و روانی می دانند و یا آنها را بزهکار تلقی می کنند، به این رهیافت تعلق دارند.

تحقیقات انجام شده (محمد علی موسوی؛ هفته نامه بهزیستی، قادری؛ ماهنامه مددکاری اجتماعی، رسول روشن) تا حدودی عدم کفایت این رهیافت را آشکار کرده است. بررسی ادبیات موضوع نشان می دهد که کودکان خیابانی به لحاظ جسمانی و روانی علیرغم آنچه معمولاً تصور می شود، دچار نقص، ناتوانی و یا بیماری های عمده نیستند. عدم انطباق و ناسازگاری آنها با هنجارهای جامعه و شکست فرایند اجتماع پذیری آنها ناشی از ویژگی ها و رفتارهای فردی آنها نیست. در این رهیافت نظری، واحد تحلیل فرد است نه جامعه؛ مشکلات و مسائل جامعه نیز نه معطوف به نظام اجتماعی کل، بلکه معطوف به افراد و گروهها مورد بررسی قرار می گیرد (آزاد: ۱۳۷۶، ص ۳۶).

این درحالی است که نظریه های بی سازمانی اجتماعی شامل نظریه آنومی مرتون (merton: 1938)، نظریه عدم تعادل ساختاری پارسونز و نیزبت (merton et al: 1976) در بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به از هم گسیختگی، ضعف و تناقض و نا کارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت های اجتماعی می شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می آورند. این نظریه ها بر خلاف نظریه آسیب شناسی اجتماعی، بر واحد های تحلیل بزرگتری همچون ساختارها، خرده نظامها، نهادها، گروه ها، اقشار و یا طبقات اجتماعی متمرکز می شود و نقش عوامل ساختاری را که مانع از انطباق و سازگاری اقشار و گروه های اجتماعی یا خرده نظام ها و نهاد های جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می شوند و عدم تعادل ساختاری را به وجود می آورند، بررسی می کند. نظریه بی سازمانی اجتماعی نسبت به نظریه آسیب شناسی اجتماعی، از قدرت تبیین بیشتر برای توضیح مسأله کودکان خیابانی برخوردار است.

بر طبق این نظریه می توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی _ اجتماعی _ فرهنگی اقشار آسیب پذیر و تهی دست حاشیه نشین است که نتوانسته اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی

^{۲۶۹} Social pathology

حداقل در دودهه اخیر ایران، با شرایط موجود انطباق یابند. جامعه ایران طی بیست ساله اخیر تحولات سریعی مثل جنگ هشت ساله، برنامه های اقتصادی تعدیل هر یک از تغییرات و تحولات در زندگی اقشار و تحولات در زندگی و طبقات مختلف جامعه به گونه ای متفاوت بازتاب یافته و پیامد های گوناگونی را در پی داشته است. از پیامد های آن رشد و ترقی برخی اقشار جامعه و سقوط و به حاشیه رانده شدن برخی دیگر بوده است می توان فرض کرد که به خیابان آمدن کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده های محروم و به حاشیه رانده شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظام اجتماعی نابرابر می باشد.

رهیافت کنش متقابل نمادی در تبیین پدیده کودکان خیابانی در ایران نیز می تواند تا حدودی راهگشا باشد. این رهیافت و نظریات متأثر از آن برای فهم چگونگی شکل گیری تصاویر خاص از کودکان خیابانی و علل و انگیزه شکل گیری این تصویر و منافع و علایق پشت این تصاویر مفید هستند. فرضی که از این رهیافت بر می آید این است که کودکان خیابانی و خانواده های آنها از کار خود در خیابان چه برداشتی دارند و چه منافع و علایقی حضور آنها را در خیابان استمرار می بخشد.

یافته های توصیفی - تحلیلی:

یافته های تحقیق حاکی از آن است که:

(۱) رابطه معنی داری بین پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده و کودکان خیابانی و کار وجود دارد، زیرا بیشترین آمار کودکان خیابانی در استان لرستان مربوط به اقشار پایین جامعه می باشند. بطوریکه در سالهای ۸۸ و ۸۹ به ترتیب ۹۱/۹ و ۸۹ درصد کودکان خیابانی مربوط به مناطق فوق بوده است.

(۲) بیشترین آمار کودکان خیابانی مربوط به خانواده های پرجمعیت می باشند بطوریکه در مقایسه آماری سالهای ۸۸ و ۸۹ به ترتیب ۷۶/۴۳ و ۷۰/۹ درصد از کل کودکان خیابانی و کار مربوط به خانواده های ۵ نفره و بیشتر می باشند که می توان نتیجه گرفت بعد خانوار با افزایش کودکان خیابانی رابطه معناداری دارد.

(۳) صد درصد کودکان خیابانی و کار طی سالهای ۸۷ و ۸۸ ساکنین مناطق حاشیه نشین و فقیر نشین شهرها هستند که می توان نتیجه گرفت که محل سکونت و افزایش کودکان خیابانی و کار با هم رابطه معناداری دارند.

(۴) در سالهای ۸۸ و ۸۹ به ترتیب ۶۶/۶۷ و ۵۸/۱۹ درصد خانواده های کودکان خیابانی دارای سوء مصرف مواد مخدر بوده اند که می توان نتیجه گرفت که سوء مصرف مواد در خانواده با افزایش کودکان خیابانی و کار رابطه معناداری دارد.

(۵) وضعیت سرپرستی کودکان خیابانی و کار حاکی از آن است که وضعیت سرپرستی در ایجاد پدیده کودکان خیابانی تاثیر چندانی ندارد در کنار عوامل فوق بیشترین عامل موثر در پدیده کودکان خیابانی و کار وضعیت

اقتصادی خانواده است که علیرغم اینکه کودک با پدر و مادر خود زندگی می کند اما به علت ضعف بنیه اقتصادی خانواده مجبور است در خیابان کار کند.

بنابراین با توجه به بررسی وضعیت کودکان خیابانی و کار در استان لرستان نتایج حاصله حاکی از آن است که علل و عوامل بروز این پدیده انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی اقشار تهی دست و آسیب پذیر حاشیه نشین شهرهای بزرگ استان هستند که نتوانسته اند در جریان مواجهه با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو دهه اخیر، انطباق یابند.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در سطح یک یا پیشگیری اولیه: با شناخت عوامل موثر بر زندگی کودکان در خیابان و با کمک و همکاری آموزش و پرورش، صدا و سیما و، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد های مربوطه برای پیشگیری از حضور کودکان در خیابان برنامه ریزی صورت گیرد.

در سطح دو یا پیشگیری ثانویه:

مرحله شناسایی و جذب: مددکاران میتوانند گروه سیار تشکیل دهند و به شناسایی این کودکان پردازند و چنانچه امکان بازگشت به منزل برایشان فراهم است، اقدام کنند در غیر این صورت آنان را به موسسات مربوطه هدایت کنند. جمع آوری این کودکان از طریق نیروی انتظامی یا شهرداری مطلوب نیست زیرا با زور نمی توان آنها را سامان دهی کرد. البته گاهی ممکن است به همکاری نیروی انتظامی نیاز باشد اما این حضور نباید دائمی باشد هرچه فاصله زمان حضور در خیابان تا شناسایی کمتر باشد، احتمال جذب کودکان خیابانی بیشتر است. بنابراین داشتن سیستم جذب فعال و پویا ضروری است.

مرحله طبقه بندی کودکان: در این مرحله مددکاران با همکاری روانپزشکان، روان شناسان، پزشکان و مشاوران حقوقی میتوانند کودکان را طبقه بندی کنند. که برای این کار اقداماتی ضروری است از جمله:

- تشکیل پرونده

- بررسی خصوصیات زیستی و روانی و اجتماعی کودک با همکاری متخصصان از جمله روانپزشک، روان شناسان، پزشک، مشاوران حقوقی و یا دیگر متخصصین

- بازدید از منزل و ارتباط با خانواده کودک (در صورت داشتن خانواده)

- پیگیری درمان جسمی کودک همراه با پزشک

- پیگیری برای حضانت کودکان با همکاری مشاور حقوقی موسسه و از طریق دادگستری (در صورت لزوم)

- درمان اختلالات رفتاری با همکاری روانشناس و روانپزشک

- درمان اعتیاد و مشکلاتی از این نوع

- ارجاع به خانواده یا موسسه مربوطه و...

اینها بخشی از وظایف مددکاران اجتماعی در مقابل کودکان خیابانی است و با توجه به وضع هر کودک ممکن است متفاوت باشد.

- مرحله ساماندهی کودکان: در این مرحله مددکاران اجتماعی باید توجه داشته باشند که بهترین ارجاع بازگشت به خانواده است. اما اگر وضع خانواده بگونه ای است که صلاحیت نگهداری از کودک را ندارد، باید از ارجاع به خانواده پرهیز کنند چون احتمال فرار مجدد و یا استعمار خانواده و یا غیره وجود دارد. در ایران بعلاوه تعداد مراکز تصمیم گیری هنوز برنامه مدونی برای ساماندهی این کودکان وجود ندارد. اما به گفته کارشناسان بهترین روش برای ساماندهی این کودکان مراکز خیریه می باشد که تحت نظارت سازمان بهزیستی می توانند در این مورد راهگشا باشند و مهمترین کار در این رابطه با وجود درصد بالای مهاجرت در این کودکان می توان از همان ابتدا در پایانه های مسافری اینگونه کودکان را جمع آوری کرده و در اسرع وقت به خانواده ها بازگرداند و در صورت فقر مالی با پشتیبانی مراکز تأمین اجتماعی درصد زیادی از مشکلات این کودکان را حل کرد تا این کودکان بتوانند در آغوش خانواده پرورش یابند و دچار معضلات بعدی که در ابرشهر تهران در پیش رو دارند مواجه نگردند و همچنین با وضع قوانین بهتر در زمینه فرزند خواندگی می توان تعدادی از این کودکان را که هیچ سرپرستی ندارند به خانواده هایی که خواهان فرزند هستند واگذار کرد و در نهایت باید یک مرکز واحد متولی ساماندهی این کودکان بشود. در مورد کودکان کار که به علت نیاز مندی و فقر مجبور به کار در خیابان هستند از طریق حمایت از خانواده و فراهم کردن زمینه توانمند سازی آنها از حضورشان در خیابانها باید جلوگیری کرد که این امر منوط به حمایتهای منطقی دولت خواهد بود این حمایتها باید زمینه قادر سازی آنها را فراهم کند و گدا پروری و تنبلی را گسترش ندهد و به گونه ای هم نباشد که افراد حاضر نشوند دست از کار در خیابان بکشند چون میزان درآمد آنان بسیار بیشتر از حمایت سازمانهای دولتی و نهاد های عمومی است.

در مرحله ساماندهی مددکار اجتماعی ممکن است خدماتی را که در پی میاید عرضه و یا پیشنهاد کند.

- فراهم کردن زمینه نگهداری کودکان در موسسات دولتی یا غیر دولتی
- فراهم کردن زمینه آموزش کلاسیک (سواد آموزی) از طریق آموزش و پرورش، نهضت سواد آموزی و سایر نهاد های مربوطه
- فراهم کرده زمینه آموزش مهارتهای زندگی و مقابله با مشکلات به منظور کاهش آسیبهای اجتماعی و خطرها در این کودکان
- فراهم کردن زمینه آموزش حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی
- فراهم کرده زمینه آموزش مهارتهای فنی و حرفه ای برای کودکان بالای ۱۵ سال

- فراهم کردن زمینه استفاده از برنامه های فرهنگی، تفریحی و ورزشی
- عرضه خدمات بهداشتی و درمانی و ... (عابدی، ۱۳۸۴).

در حال حاضر در کشور سازمان بهزیستی کشور مسئول ساماندهی کودکان خیابانی است که با همکاری نهادها و سازمانهای دیگر از جمله نیروی انتظامی، شهرداری، استانداری، دادگستری، آموزش و پرورش، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش فنی و حرفه ای این وظیفه را انجام میدهد.

سازمان بهزیستی از سال ۱۳۷۸ مراکز تشخیص و جایگزینی و طبقه بندی کودکان خیابانی را در کشور از طریق دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی تاسیس کرده است. شهرداری تهران نیز از سال ۱۳۷۸ با تاسیس خانه های سبز و ریحانه در این کار فعالیت داشته است که از اواسط سال ۱۳۸۱ این مراکز به سازمان بهزیستی تحویل داده شدند. فعالیت تشکلهای غیر دولتی در کشور در این زمینه تا کنون فراگیر و جدی نشده است.

راهکارها و روش های مداخله ای حل پدیده کودکان خیابانی و کار

بطور خلاصه کشورهای توسعه یافته از طرق زیر به مبارزه با کار کودکان خیابانی پرداخته اند؛

۱- وضع قوانین کار کودک و برقراری آموزش ابتدایی همگانی و اجباری

۲- حمایت دولت از طرح های سازمان های غیردولتی و محلی

۳- تقسیم مسئولیت برنامه ریزی شده میان دولت و جامعه مدنی

۴- ابتکار سازمان های فراملی و بخش خصوصی

علاوه بر اقدامات فوق در سطح بین المللی می توان به برنامه جهانی محو استثمار کودکان یا اپیک (IPEC) سازمان جهانی کار اشاره نمود. این برنامه در ایجاد توانایی های ملی برای مقابله با مشکل استثمار کودکان و ارائه توصیه هایی در سیاست گذاری ها کمک کرده است. شمار تعداد کودکان کارگر ۳۳ درصد کاهش یافته است، ولی وضعیت کودکان کارگر در بخش کشاورزی هنوز نگران کننده است، زیرا از هر ده کودک، هفت کودک در این بخش در شرایط استثماری مشغول کار هستند. مسئله دیگر، بیماری ایدز و تاثیر آن بر کودکان است، مشکلی که بیشتر کودکان افریقا با آن مواجهند، منطقه ای که بیشترین تعداد کودکان کار را در خود جای داده است. اگرچه تعهد سیاسی کشورها به انجام اقداماتی جهت حذف کار کودک افزایش یافته است و مساله را جدی گرفته اند اما برای محو استثمار کار کودک تا جایی که از آن فقط به عنوان یک واقعه تاریخی یاد شود، باید تلاش بیشتری کرد.

ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه درگیر مسئله کار کودک است. اگر چه وضع ایران با سایر کشورهای دیگر خصوصا کشورهای فوق قابل مقایسه نیست و ایران بنیان های غنی فرهنگی و اجتماعی در خصوص کار دارد، اما این نگرش قوی و مثبت منجر به ریشه کنی کار کودک نشده است و هنوز آمار مشخص و دقیقی در زمینه وضعیت زندگی کودکان کار بویژه کودکان در معرض خطر مانند کودکان خیابانی در ایران وجود ندارد. در

خصوص مبارزه با کار کودک علی‌رغم پیوستن به کنوانسیون حقوق کار کودک در سال ۱۳۷۰ و مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ حقوق بنیادین کار در سال ۱۳۸۰ و وجود قوانین مربوط به حداقل سن اشتغال و شرایط اشتغال نوجوانان (مواد ۸۲، ۷۹، ۸۰ قانون کار) اقدامات جدی صورت نگرفته است و صرفاً ما شاهد طرح‌های ضربتی تحت عنوان ساماندهی کودکان خیابانی آن هم در راستای زیباسازی شهری و نه بهبود شرایط زیست آنها از سوی سازمان بهزیستی هستیم. شایسته است با استفاده از تجربیات موفق کشورها که به بعضی از آنها در بالا اشاره شد و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط مانند آموزش و پرورش، بهزیستی، شهرداری، وزارت بهداشت و تمام انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی فعال و علاقه‌مند در زمینه کار کودک، با همراهی و همکاری کودکان و خانواده‌هایشان، برنامه‌ای مفید و عملی تدوین و اجرا شود، بطوریکه شرایطی فراهم شود تا کودکانی که مجبورند برای کمک به تامین معاش خانواده خود کار کنند از کارهایی که به آنها به لحاظ جسمی و روحی و روانی آسیب وارد می‌کند، دور بمانند و در مقابل از تحصیل، شادی و کودکی‌شان دور نمانند.

پیشنادهایی برای کاهش کار کودکان و کودکان کار و خیابانی

- ۱- ایجاد درک و شناختی صحیح از رفتار کودکان و نوجوانان در سنین مختلف.
- ۲- گسترش چتر آموزش کودکان در مناطق محروم و اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت ایجاد عزم ملی در این زمینه و ایجاد زمینه‌های مناسب برای امکان ادامه تحصیل شاغل.
- ۳- ادغام فعالیتهای رفاهی برخی سازمانهای حمایت کننده در زمینه رفاه اجتماعی همچون سازمان بهزیستی کمیته امداد.
- ۴- تدوین قوانین مناسب جهت حمایت از حقوق کودکان.
- ۵- تحویل کودکان رها شده، بد سرپرست یا بدون سرپرست به خانواده‌های مناسب و نظارت بر نحوه آموزش و تربیت آنها.
- ۶- تأکید بر پیشگیری برای کاهش کار کودکان و سایر آسیب‌های اجتماعی
- ۷- فقر زدایی و تأمین رفاه عمومی (توسط دولت)
- ۸- ساماندهی درست کودکان خیابانی (شناسایی، حمایت، توانمند سازی)
- ۹- برطرف کردن مشکلات قانونی
- ۱۰- تقویت رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی کودکان
- ۱۱- همیاری، همکاری، هماهنگی و مشارکت سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با کودکان
- ۱۲- تأسیس نهاد ملی حمایت از کودکان
- ۱۳- ایجاد امکانات برای آموزش اجباری، عمومی و رایگان برای همه کودکان با تأکید بر دختران
- ۱۴- اجرای مقاله‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی در مورد کودکان با تأکید بر پیمان‌نامه حقوق کودک، مقاله

نامه منع کارهای دشوار برای کودکان

- ۱۵- تأکید بر پژوهش و ایجاد بانک اطلاعات در زمینه آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی
 - ۱۶- تأکید بر حمایت همه جانبه از خانواده‌های کودکان کار و خیابان
- اما به طور خلاصه سیاست‌های دیگری که باید به این برنامه‌ها اضافه شود را اشاره می‌کنیم:
- ایجاد مراکز ساماندهی و هدایت و حمایت کودکان در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ
 - ایجاد پناهگاه در مراکز تجمع و پاتوق‌ها و پایانه‌ها و پارک‌ها به منظور جلوگیری از لغزیدن کودکان کار و کودکان سرگردان و متواری به سمت گروه‌های تبهکارانه.
 - برقراری روابط اقتصادی ترد کننده، آزار دهنده و استثمارگری بین کودکان و نوجوانان با خانواده‌ها؛ قبل از هر چیز نتیجه ناتوان شدن والدین و سرپرستان خانواده است
 - نگهداری در خانواده‌های مراقب و دارای صلاحیت
 - آموزش‌های غیر رسمی در خیابان
 - ایجاد مراکز فنی و حرفه‌ای برای کودکان با توجه به شرایط ویژه آنان
 - فرهنگ سازی در جهت اقبال عمومی یافتن
 - آسیب زدایی محیط خیابان
 - رفع علل خانوادگی
 - تغییر و اصلاح سیاست در های باز
 - اجرای برنامه ریزی منطقه ای .

فهرست منابع :

- _ آزاد ارمکی، تقی و بهار، مهری (۱۳۵۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران موسسه نشر جهاد.
- _ بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر سارو خانی (۱۳۶۷)، تهران انتشارات کیهان
- _ بررسی خصوصیات کودکان خیابانی (۱۳۸۰)، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری
- _ بویدن، جو. مایرز، ویلیام، (۱۳۸۱) بررسی روش‌های گوناگون مبارزه با کار کودک کو مطالعه موردی از کشور در حال توسعه، تهران دفتر یونسف در ایران.
- _ معید فر، سعید. (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران سرزمین ما.
- _ ملکی، حسن (۱۳۴۳)، آبیژ (۱۳۸۵) کودکان و نوجوانان خیابانی، تهران، .

- __ معظمی، شهلا (۱۳۸۲) فرار دختران چرا؟ نشر گرایش
- __ سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی (۱۳۸۲)، خلاصه گزارش عملکرد مراکز کودکان خیابانی (شش ماه اول سال ۸۲)، تهران سازمان بهزیستی .
- __ سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی (۱۳۸۱)، طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی، تهران سازمان بهزیستی .
- __ سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی (۱۳۸۲)، طرح مراکز شناسایی؛ تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی، تهران سازمان بهزیستی .
- __ صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) آژانس بین المللی کودکان خیابانی، فعالیت ها و پژوهش های در مورد کودکان خیابانی در کشور های مختلف، تهران دفتر یونیسف در تهران .
- __ صندوق کودکان سازمان ملل متحد یونیسف (۱۳۸۱)، کودکان خیابانی در بمبئی و کلکته، تهران دفتر یونیسف تهران

مقالات :

- __ امانلو، زهرا (۱۳۸۱)، کودکان خیابانی، بهزیستی استان زنجان
- __ دهگان پور و همکاران «جمع بندی یافته های به دیت آمده از فرا تحلیل پژوهش های مربوط به کودکان خیابانی» (۱۳۸۱)، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی، مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران تهران آگه، جلد پنجم
- __ زهدی، مریم، (۱۳۸۰) کودکان قربانیان خاموش، روزنامه بنیان شماره ۱۶
- __ شاوردی، تهمینه، نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران: علل و عوامل آن « (۱۳۸۳)، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی، مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران تهران آگه، جلد پنجم
- __ Moran, Ricardo. Moura Castro, Claudio de. (1997), Street Children and the Inter- American Development Bank: Lessons from Brazil, Rio, Inter- American Development Bank.
- Merton, R. K. (1938), Social Structure and Anomie, ASR, 3, 672-685.